

Original Research

Surveying Indigenous Knowledge of term “Dale”: Male Quail Hunting Tool among Azeri Tribes in Alvares village, Ardabil province

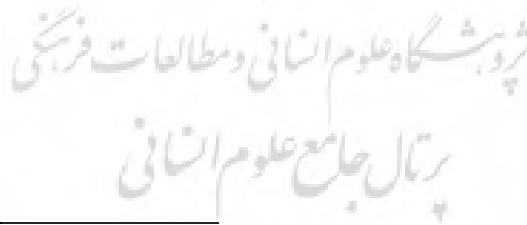
Vahid Rashidvash¹ & Ammar Ahmadi²

Received: April 29, 2020; Revised: June 19, 2020; Accepted: July 04, 2020

Abstract

"Dale" is a Turkish term literally means language. In fact, it is a tool which has been used to hunt male quail in most parts of Azerbaijan since ancient times. After thousands of years, residents of Alvares village in Ardabil province still benefit from this indigenous knowledge and the Dale has special importance and respect among the villagers as a quail hunting tool. This research is performed through ethnography, along with direct and participatory observation, as well as interviews in research field with the functional theory of Bronislaw Malinowski. The findings indicate that Dale hunting tool, among the residents of this village is not only a symbol for bird hunting, but also the procedure of preparing and making Dale requires special skill and art that the villagers specially view it as a cultural and economic item rather than a hunting and entertainment tool. Their cultural view to this tool is heritage and artistic which has made it valuable and lasting. From an economic point of view, this tool is considered as a handicraft of the people of Alvares, with which they boost their own family economy, albeit briefly.

Keywords: Indigenous knowledge, Alvares village, Dale tool, quail hunting.



1. Assistant Prof. in Department of Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: Vah.rashidvash@iauctb.ac.ir
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-8310-6411>

2. Ph.D Candidate of Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Tehran, Iran. Email: ammar.ahmadi2020@gmail.com
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-3986-0211>

مطالعه دانش بومی «دیل» ابزار شکار بلدرچین نر در بین اقوام آذری روستای آوارس، استان اردبیل

وحید رشیدوش^۱ و عمار احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴

چکیده

«دیل»^۲ واژه ترکی است به معنی زبان. این ابزار در بیشتر نقاط آذربایجان از قدیم تا به امروز مورد استفاده بوده و کاربرد آن برای شکار بلدرچین نر می‌باشد. ساکنین روستای آوارس از توابع استان اردبیل، با گذشت هزاران سال هنوز از این دانش بومی بهرمنند می‌گردند و هنوز دیل به‌عنوان ابزار شکار بلدرچین در نزد روستاییان از اهمیت و حرمت خاصی برخوردار است. روش کار در این پژوهش به‌صورت مردم‌نگاری، همراه با مشاهده مستقیم و مشارکتی، توأم با مصاحبه در میدان تحقیق همراه با نظریه کارکردی برانیسلاو مالینوفسکی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ابزار شکار دیل در بین اهالی این روستا فقط حکم شکار پرنده را ندارد، بلکه نحوه تهیه و ساخت دیل، مهارت و هنری خاص می‌طلبد که اهالی روستا مهم‌تر از ابزار شکار و تفریح به آن به عنوان یک ابزار فرهنگی و اقتصادی نگاه ویژه‌ای دارند. نگاه فرهنگی آنها به این ابزار نگاه میراثی و هنریست که آن را ارزشمند و ماندگار کرده است. در نگاه اقتصادی، این ابزار حکم صنایع دستی مردم آوارس به حساب می‌آید که با آن به اقتصاد خانواده خودشان رونق هر چند مختصر می‌بخشند.

واژگان کلیدی: دانش بومی، روستای آوارس، ابزار دیل، شکار بلدرچین.

۱. استادیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: vah.rashidvash@iauctb.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-8310-6411>

۲. دانشجوی دکترای مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ تهران، ایران.

Email: ammar.ahmadi2020@gmail.com

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-3986-0211>

۱. مقدمه و بیان مسئله

"به نظر عده‌ای از دانشمندان در آغاز انسان چهار دست و پا راه می‌رفت. راه رفتن روی دو پای برای انسان اولیه دشوارتر بود. زیرا برای اولین باری موجودی می‌خواست بر روی دو پا راه برود. مدت‌های مدیدی به طول انجامید تا نیمه آدمیان توانستند بدن خودشان را روی پاهای عقبی استوار نگهدارند. بدین‌سان دست آزاد گردید و با آزاد شدن دست نخستین گام در راه تبدیل به انسان کامل برداشته شد. آزادی دست سبب گردید که انسان تا حدودی تکامل پیدا کند. پاهای جلو آرام آرام تبدیل به دست شوند و دست‌ها شروع به کار کردند و اولین کارشان هم شکار حیوانات برای تغذیه انسان بود و این امر به آمادگی بیشتر آنها کمک کرد. کم‌کم دست برای پرداختن برخی از چیزها و استفاده از آنها به کار رفت و سرانجام دست بزرگترین وظیفه خود، کار و ابزارسازی را آغاز کرد. انسان نئاندرتال^۱ و انسان کرومانیون^۲ در این دوره می‌زیستند. تاریخچه شکار به قدمت انسان برمی‌گردد و به احتمال قوی می‌توان شکار را یکی از عوامل تکامل و افزایش قدرت، سرعت محل و هوش انسان به شمار آورد" (شریف کمالی و عسکری خانقاه، ۱۳۹۱: ۲۳۹).

"انسان نئاندرتال تا آنجا می‌توانست در غارهایی زندگی می‌کرد که در صخره‌های آهکی به وجود آمده بودند. زندگی غارنشینی نئاندرتال‌ها آنها را به ناچار با بعضی از حیوانات کوهستانی همزیست و رو در رو می‌ساخت و انسان مجبور بود که این حیوانات را شکار کند" (شربتیان، ۱۳۹۸: ۲۱۶). انسان‌های اولیه برای شکار از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کردند. اولین شرط موفقیت در شکار نحوه شکار از جمله پرتاب سنگ به وسیله دست، استفاده از کمان برای شکار، استفاده از آتش برای ترساندن شکار و به دنبال کردن شکار، تا شکار خسته شود و از پای در افتد. بی‌شک گوزن‌ها را به این شیوه شکار می‌کردند. برای شکار حیوانات و جانوران بزرگ علف‌خوار، گودال‌های بزرگی را می‌کنند و با شاخ و برگ درختان و علف می‌پوشاندند تا شکار به گودال بیفتد. "شرط دیگر موفقیت در این شیوه از زندگی داشتن سازمان اجتماعی و یک پارچه‌ای است که قادر به برنامه‌ریزی تقسیم مسئولیت‌ها و پخش گوشت باشد. از این رو پیشنهادهایی مبنی بر اینکه شکار نشان‌دهنده یک سرشت حیوانی در بین این افراد بود باید به‌طور جدی رد شود. شکار در بین این گروه تا حدی بسیار زیادی یک تدبیر فرهنگی است که بر انسجام اجتماعی استوار است" (مگری، ۱۳۹۷: ۲۸۱). در طی هزاران سال عمر جامعه اولیه ابزار کار به تدریج پیش رفته‌تر و کارآمدتر می‌شود و در اواخر دوران پارینه سنگی تیروکمان اختراع می‌شود و با فرا رسیدن عصر میانه سنگی استعمالش عمومیت و رواج فراگیر می‌یابد. بالا رفتن نقش شکار در جامعه، تقسیم کار بین مردان و زنان را که

1. Homo Neanderthalensis
2. Homo Cro-Magnon

در اواخر پارینه سنگی شروع شده بود تشدید می‌کند. بعد از آنکه مردان در تعقیب شکار می‌پردازند، زنان اجاق را روشن نگاه داشته به جمع‌آوری میوه و ریشه گیاهان و تهیه غذا مشغول می‌شوند. در این میان مردان گذشته از شکار به اهلی کردن حیوانات و دامداری نیز اشتغال می‌ورزند و با توسعه دامداری جوامع انسانی به گوشت و شیر و پوست بیشتری دسترسی پیدا می‌کنند. کشاورزی نیز پا به پای دامداری در اراضی اطراف مساکن انسان‌ها و کناره رودخانه‌ها توسعه پیدا می‌کند. آذربایجان یکی از کانونهای کهن زندگی انسان است. " کاوش‌های باستان‌شناسی سابقه زندگی انسان در این سرزمین را تا دوران پارینه سنگی پیش می‌برد. در این دوران هنوز انسان به ابزارسازی نپرداخته بود و نیازهای ابزاری خود برای شکار حیوانات یا در آوردن ریشه گیاهان را با انتخاب تکه سنگ‌های نوک تیز برآورده می‌کرد. انسان این دوران بیشتر میوه-چین و شکارگر بود تا تولید کننده. اشیای به‌دست آمده از اقامتگاه‌های انسان‌های اولیه در آذربایجان حاکی از رواج دامداری و کشاورزی در اواخر دوران میانه سنگی و اوایل نوسنگی در این سرزمین می‌باشد. از همین زمان شکار، کشاورزی و دامداری به‌صورت پایه‌ی اصلی زندگی ساکنین این منطقه در می‌آید و زندگی اسکان یافته زراعتی و دامداری نیز آغاز می‌گردد و با این تغییر تحول جدید در زندگی بشر به وجود می‌آید" (رئیس‌نیا، ۱۳۶۸: ۱۰۷).

"سرزمین و کوهستان‌های شمال غرب ایران یعنی سرزمین آذربایجان ظاهراً به‌استناد اکولوژی گیاهی و حیوانی و سایر شرایط فعال موجود به‌عنوان محل احتمالی پیدایش کشاورزی و دامداری مطرح شده است که به نوبه خود ویژگی علمی خصوصیات جغرافیایی باستانی منطقه را تأیید می‌کند" (سرداری‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۲).

در گذشته عدم وجود برخی از سلاح‌ها باعث شده بود که شکار امری دشوار باشد. هرکسی نمی‌توانست سختی کار شکار آن‌هم در کوهستان پر از برف را به جان بخرد. شکار برخی از حیوانات مانند بلدرچین که تناسب رنگ بدن و نیز استفاده از فن استتار در محیط طبیعی باعث شده است که شکار این حیوان از گذشته باستان تا به امروز امری دشوار باشد. برای حل این موضوع انسان در مناطق مختلف زمین برای شکار کردن این پرنده خوش صدا و خوش گوشت، ابزار و شیوه‌های خاصی به کار بسته است. برای مثال در مناطقی از هندوستان برای شکار بلدرچین از تله‌های زیرزمینی استفاده می‌کنند. یا برخی سرخ‌پوستان آمریکا نیز با استفاده از ماده بلدرچین، بلدرچین نر را در دام گرفتار می‌کنند. در ایران نیز در مناطق مختلف از شیوه‌های خاصی برای شکار بلدرچین استفاده می‌کنند. اما منطقه‌ای که شکار بلدرچین در آن شبیه شکار بلدرچین در روستای آلوارس و دیگر مناطق آذربایجان است، منطقه کرج امروزی است. در این منطقه وسیله‌ای که اسم آن «تیرچه»^۱ است با تقلید صدای بلدرچین ماده، بلدرچین نر را به تله می‌کشاند که البته تیرچه

تفاوت‌هایی در شکل ابزار و شیوه کار با دیل دارد. مردم روستای آلوارس در گذشته از ابزارهایی که از خود طبیعت به دست می‌آوردند و می‌ساختند به شکار حیوانات وحشی می‌رفتند. یکی از این ابزار و تکنولوژی‌های قدیم شکار، ابزاری است به نام دیل که با آن به شکار پرنده باهوش چون بلدرچین می‌پردازند. شکار این پرنده به خاطر هوش بیش از حد آن با تله‌های معمولی امکان‌پذیر نیست، برای همین انسان‌های روستای آلوارس ابزاری به نام دیل را ساخته‌اند که با تقلید صدای بلدرچین ماده این پرنده را براحتی شکار می‌کنند.

موضوع اصلی این مقاله درباره فرهنگ شکار بلدرچین نر با استفاده از دانش بومی و ابزار دیل در روستای آلوارس می‌باشد. انسان‌های این روستا با گذشت هزاران سال هنوز هم به شکار بی‌رویه و خارج از بحث تهیه غذا، به شکار حیوانات وحش طبیعتشان اعتقادی ندارند. آنها عقیده دارند که حیوانات وحشی کوه ساوالان «سبلان» اعم از خرس قهوه‌ای، عقاب، قوچ وحشی، گراز و انواع پرنده‌گان نباید به خاطر تفریح و سرگرمی شکار شوند. آنها شکار این حیوانات را در زمان‌های خاص و در ضرورت‌های خاص مجاز می‌دانند.

در هر پژوهش هدف و ضرورتی وجود دارد که راهنما و هدایت‌کننده پژوهشگر در آن تحقیق است که روش کار و نحوه گردآوری اطلاعات مربوطه را آسان‌تر می‌کند به طوری که سعی می‌شود مطالب و یافته‌های تحقیق حول آن هدف سازمان‌دهی و پاسخی به پرسش اصلی شود. هدف کلی: بررسی و مطالعه کاربرد ابزار شکار دیل در زندگی انسان‌های روستای آلوارس از گذشته تا به امروز جزء اهداف کلی مقاله محسوب می‌شود. از اهداف فرعی می‌توان به ساختار ابزار شکار دیل، نحوه ساخت این ابزار، چگونگی استفاده از ابزار دیل برای شکار بلدرچین اشاره کرد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش با توجه به جستجو بسیار زیاد محققان و همچنین پرس‌وجو از پژوهشگران میدانی این حوزه تا به امروز این ابزار خاص شکار مورد مطالعه و بررسی دقیق علمی قرار نگرفته است. اما در مورد بحث شکار در میان انسان‌ها می‌توان به کتاب عصر حجر (۱۳۹۸) نوشته پاتریشیاد نتسلی اشاره کرد. نویسنده در این کتاب به زندگی انسان‌های اولیه، شیوه سکونت و همچنین نحوه تهیه غذا و شکار حیوانات توسط انسان‌های اولیه پرداخته است. یعقوب شربتیان در کتاب مقدمه‌ایی بر انسان‌شناسی پیش از تاریخ و جوامع ابتدایی (۱۳۹۲) به بررسی و مطالعه از نخستین‌ها تا انسان امروزی پرداخته و همچنین به نحوه شکار انسان‌ها در دوره پارینه سنگی، میانه سنگی و نوسنگی اشاره کرده است. محمد صادق فرید در کتاب مبانی انسان‌شناسی (۱۳۹۷) ضمن توضیح سیر تحول و تکامل انسان، به بررسی ابزار شکار انسان‌ها پرداخته و توضیح می‌دهد که ابزار شکار انسان در دوره

میان‌ه سنگی با توجه به شرایط جغرافیایی دچار تغییر و تحولاتی شده است. انسان و حیوان (۱۳۹۴) که توسط ژان پیردیگار به نگارش در آمده است به اهمیت حیوان در زندگی انسان پرداخته است. مبانی انسان‌شناسی زیستی (۱۳۹۱) که توسط محمد شریف کمالی و اصغر عسکری خانقاه به تألیف درآمده به عوامل موثر در تغذیه انسان و همچنین ابزارهای شکار توسط انسان در طول تاریخ اشاره شده است.

۳. چارچوب نظری

در این پژوهش از رویکرد کارکردگرایی در تبیین داده‌های تحقیق استفاده شده است. مالینوفسکی کارکرد را پیش از هر چیز پاسخی به نیازهای فردی و بیولوژیک معرفی می‌کند. دو مفهوم اساسی در کارکردگرایی مالینوفسکی عبارتند از: نیازها و نهادها. نیازها به باور او پیش از هر چیز به موجودیت بیولوژیک انسان باز می‌گردند. بنابراین نخستین رده از نیازها، نیازهایی هستند که میان انسان‌ها و سایر جانوران مشترک‌اند. نیازهایی همچون تغذیه، تولیدمثل و غیره. این نیازها، پاسخی سازمان یافته از سوی انسان دریافت می‌کنند که در قالب فرهنگ تبلور می‌یابد. در نتیجه نیازهای بیولوژیک انسان، به صورت فرهنگی مطرح می‌شوند. "اما تأکید مالینوفسکی بر آن است که ارضای این نیازهای رده اول، سبب ایجاد نیازهایی ثانویه می‌شود که آن‌ها را نیازهای اشتقاقی یا الزامات فرهنگی می‌نامند و در واقع نیاز به ایجاد نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند و انسان را باز هم وارد سازمان یافتگی فرهنگی بیشتری می‌کنند و سرانجام پس از پاسخ یافتن نیازهای رده دوم، گروه‌سومی از نیازها ظاهر می‌شوند که مالینوفسکی آن‌ها را نیازهای انسجام‌دهنده و روحی می‌نامد" (فکوهی، ۱۳۹۲: ۱۶۸-۱۶۷). "مالینوفسکی عقیده داشت که مبنای نظریه کارکردگرایی تداوم برخی عناصر فرهنگی در جامعه به دلیل پاسخ این عناصر به یک کارکرد اجتماعی مشخص است. وی بر روی کلمه فرهنگ خاص تأکید فراوانی داشت. او معتقد است یک فرهنگ خاص باید به عنوان یک مجموعه تمام در کل فرهنگ بررسی شود. او می‌خواهد این معنی را برساند که جنبه‌های گوناگون فرهنگ در ارتباط با یکدیگرند" (سعیدی مدنی، ۱۳۹۸: ۳۱۶).

۴. روش تحقیق

بررسی و مطالعه مردم‌شناختی دانش بومی ابزار دیل با روش کیفی صورت گرفته است. چرا که این تحقیق نیازمند حضور پژوهشگر در میدان می‌باشد تا به کارگیری روش‌های مردم‌شناسی و مردم‌نگاری بتواند بدون قصد و غرض به یافته‌هایی دست یابد. مشاهده مشارکت‌آمیز و مصاحبه با اطلاع‌دهندگان اصلی، معمولاً محور اصلی تحقیق انسان‌شناختی را تشکیل می‌دهند (نبوی، ۱۳۸۲: ۵۶). در این تحقیق نیز محققان سعی کرده‌اند که در میدان به طور مستقیم حضور داشته باشند. همچنین در این تحقیق در جمع‌آوری داده‌ها علاوه بر مشاهده مشارکتی از مصاحبه عمیق هم

استفاده شده است. در این تحقیق از مصاحبه با آگاهین این صنعت و تکنولوژی قدیمی و همچنین از کسانی که در امر شکار با این ابزار حرفه‌ای کار می‌کردند، استفاده شده است. حتی پژوهشگران برای درک و فهم عمیق موضوع در امر نحوه ساخت و حتی شکار بلدرچین با مردم آلوارس همراهی کردند. منطق انتخاب مصاحبه‌شوندگان به این صورت بود که ابتدا به سراغ افراد مطلع که در این خصوص تحقیقات و تالیفاتی داشتند رفته و سپس با ساکنین دهستان‌ها مصاحبه انجام شده است. در کنار روش میدانی، مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است.

۵. موقعیت جغرافیایی و وجه تسمه روستای آلوارس

شهرستان اردبیل واقع در شمال شرقی آذربایجان شرقی منطقه‌ای سردسیر است و در حدود ۴۸۶۱ کیلومتر مربع مساحت دارد. از جانب شمال به مشکین شهر و مرز ایران و جمهوری آذربایجان و از شرق به شهرستان آستارا و طولش و از جنوب به شهرستان خلخال و میانه و از مغرب به شهرستان سراب و مشکین شهر محدود است. این شهرستان در یک منطقه کوهستانی واقع شده است. در مغرب آن کوه‌های آتشفشانی خاموش و بلند سبلان و در مشرق کوه‌های طالش قرار گرفته است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲). شهر اردبیل قرن‌های متمادی مرکز آذربایجان و مدتی پایتخت ایران بوده است. سرعین شهری در ۳۰ کیلومتری غرب اردبیل و مرکز شهرستان سرعین است. این شهر به علت چشمه‌های آبگرم فراوان شهرت دارد و یکی از مناطق گردشگری در استان اردبیل است. شهر سرعین در ۴۸/۰۴ درجه طول شرقی و ۳۸/۰۹ درجه عرض شمالی با مساحتی بیش از ۱۲۸۰۰۰۰ متر مربع در ۲۸ کیلومتری غرب شهر اردبیل قرار دارد. ارتفاع متوسط شهر از سطح دریا ۱۶۵۰ متر می‌باشد. "سرعین به زبانی ترکی (سریین) به معنای محل خنک می‌باشد. سرعین در فرهنگ لغات عربی به معنی سرچشمه می‌باشد. در ادوار گذشته از این منطقه به نام‌های ساری قیه، سرائین یاد کرد می‌شده است. روستای آلوارس در ییلاق کوه سبلان و منطقه کوچ عشایر شاهسون آذربایجان واقع شده است. این روستا با مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۵۶ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۹ دقیقه عرض شمالی در ۱۲ کیلومتری غرب شهر سرعین و ۳۵ کیلومتری غرب شهر اردبیل واقع شده است" (صفری، ۱۳۷۰: ۱).

روستای آلوارس از شمال به روستای اوجور، از شرق به روستای شایق، از جنوب غرب به روستای شاه‌نشین و از جنوب شرق به روستای میمند محدود می‌شود. این روستا زمستان‌های بسیار سخت و تابستان‌های بسیار خنک دارد. جمعیت این روستا طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۳۵۰ نفر گزارش شده است که فعلاً نزدیک ۲۰۰ خانوار در این روستا زندگی می‌کنند (وب‌گاه مرکز آمار ایران). اطراف این روستا پر است از چشمه‌های آب شیرین که مشهورترین آن چشمه «مین بولاغ» است.

"از ساختار و شکل طبیعی روستا چنین برمی آید که این روستا در دوران باستان محل قبایلی بوده که دامداری می کردند. نشانه های این دامداری در عصر معاصر هم با وجود عشایر شاهسون در این روستا خودش را نشان می دهد. وجود چشمه های آب شیرین باعث شده که انسان ها در این روستا دست به کشاورزی هم بزنند، اما وجود صخره ها و سنگهای انبوه دامنه سبلان مانع از آن شده که کشاورزی گسترده ای داشته باشند" (حافظزاده، ۱۳۷۲: ۴۲). برای همین به کشت گندم و جو و آن هم در حد نیاز و برخی درختان محلی اکتفا کرده اند. وجود غارهای باستانی در دامنه های سبلان روستای آلوارس و زاغه های زیرزمینی نشانگر تمدن هزاران ساله این منطقه می باشد. بافت معماری این روستا از ترکیب سنگ و خاک همان منطقه به وجود آمده است و خانه ها با حیاط مستقل در ارتفاعات دامنه سبلان ساخته شده اند. مردمان این روستا به زبان ترکی آذربایجانی سخن می گویند و با همدیگر ارتباط برقرار می کنند. از نظر آناتومی و انسان شناسی زیستی اهالی این روستا، انسانهای قوی با استخوان بندیهای محکمی هستند که با سختکوشی و سخت زندگی کردن عادت دیرینه دارند. با اینکه امروزه در فرهنگ مردم این روستا مردسالاری سخت دیده می شود، اما وجود زنان سخت کوش و قوی نشانگر رگه های از زن سالاری باستانی نیز دارد. باورها و آیین این انسان ها به کوه سبلان و افسانه های آن بسیار عمیق و ریشه دار است. امروزه مردمان این روستا با آیین های دینی، مذهب شیعه و مناسک دهه محرم، آداب و مراسم های مخصوص خودشان که برگرفته از فرهنگ باستانی شان می باشد زندگی می کنند. مردان این روستا با اینکه لباس قدیمی و محلی خودشان را دیگر نمی پوشند، اما اعتقاد عمیقی به کلاه و گذاشتن آن به سرشان را دارند. این شاید تنها آیینی از گذشته کهن آنها در امر لباس پوشیدن باشد. زنان روستای آلوارس تقریباً پوشش آیینی خود را تا به امروز حفظ کرده اند. آنها پیراهنی بلندی که تا قوزک پا می رسد «کوئینک» و جلیقه ای که معمولاً کنارهای آن سکه دوزی و تزئین شده است را می پوشند و با «یایلیق» روسری مخصوص سر خودشان را می پوشانند. همچنین زنان در بیشتر فصل های سرد این روستا چند «تومان» دامن چین دار بزرگ که معمولاً از پارچه گلدار تهیه می شود، روی هم می پوشند. رنگ لباس زنان جوان تر با زنان سالخورده تر متفاوت است و همچنین نوع پوشیدن لباس و پوشیدن یایلیق و... نسبت به سن متفاوت است.



تصویر ۱. موقعیت شهرستان سرعین
(مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران ۱۳۹۷)



تصویر ۲. موقعیت روستای آلوارس
(مأخذ: همان)

۶. یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های تحقیق دیل یکی از مهمترین ابزار شکار در منطقه مورد نظر می‌باشد. در این قسمت به چگونگی ساخت و نحوه شکار بلدرچین توسط ابزار دیل پرداخته شده است. دیل از لحاظ ساختار دارای قسمت‌های مختلفی می‌باشد که عبارتند از:

(۱) کاسا دیل^۱ (کاسه دیل)

(۲) قول دیل^۲ (دسته دیل)

(۳) فیش فیش دیل^۳ (سوت استخوانی)

(۴) دَری دیل^۴ (پوست)

(۵) تور دیل^۵

۱.۶. کاسا دیل (کاسه دیل)

برای تهیه کاسه و دسته دیل که در زبان ترکی آن را «کاسا و قول» می‌نامند، سازنده این ابزار شاخه کلفت درخت توت و یا گردو را در زمستان از تنه جدا می‌کند و آن را در محلی خشک نگهداری می‌کند تا کاملاً خشک شود و رطوبت شاخه گرفته شود. به کار بردن درخت توت و گردو در کاسه دیل علاوه بر اینکه به خاطر سختی و مقاومت کار است از جهتی هم این درختان در روستاهای اطراف دامنه سبلان کاربرد زیادی دارند و جنس آن با سردی هوای این منطقه و کمبود آب سازگاری بیشتری دارد. بعد از یک یا دو ماه شاخه را با ابزار ساده‌ای چون اره و چاقو، شروع به تراشیدن می‌کنند. دیل در ابتدا به صورت ساختار ساز عاشقی مردم آذربایجان در می‌آید. طول کلی دیل تقریباً ۱۵ سانتیمتر می‌باشد. بعد از تراش‌های اولیه، ظریف کاری ابزار دیل آغاز می‌شود. در این مرحله سازنده دیل که این علم را به‌وسیله تجربه و سینه به سینه به‌دست آورده است شروع به صیقله دادن انتهای پهن دیل را که شبیه کاسه هست می‌کند تا کمی فرورفتگی داشته باشد. شکل این کاسه شبیه چومچه می‌باشد که طول آن ۵ سانتیمتر می‌باشد. وسط کاسه تقریباً تا نصف میان تهی می‌گردد. عمق این کاسه بایستی ۲ سانتیمتر باشد. این گودی دیل اگر بیشتر و یا کمتر تهی شود مانع از ایجاد صدا می‌شود و یا صدایی که از آن خارج می‌شود شبیه به آن صدایی نیست که شکارچیان بلدرچین می‌خواهند و همین عامل باعث می‌شود که شکار صورت نگیرد.

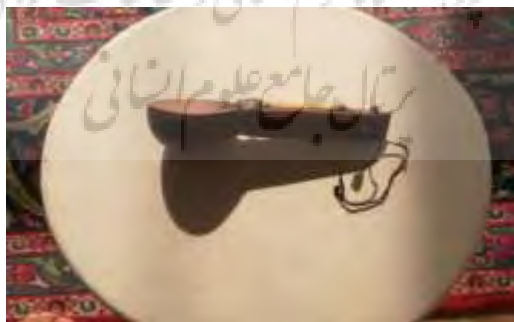
1. Ksa Dil
2. Ghaval Dil
3. Fish Fish Dil
4. Dari Dil
5. Tuor Dil



تصویر ۳. کاسه دیل
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)

۲.۶. قول دیل (دسته دیل)

بعد از درست کردن کاسه، نوبت به دسته دیل می‌رسد. طول دسته دیل تقریباً ۱۰ سانتیمتر می‌باشد. دسته دیل را ابتدا صیقل می‌دهند. بعد از اینکه کاملاً دسته دیل صیقل داده شد، بر روی دسته دیل، شبیری کم عمق در حدود ۱ سانتیمتر ایجاد می‌کنند که استخوان دیل راحت بر روی دسته دیل سوار شود. بعد صیقل دادن و ایجاد عمق ۱ سانتیمتری، ابزار دیل را روی آتش گرفته و بعد با روغن گیاهی آن را جلا می‌دهند تا آماده کار گردد. نوک کاسه دیل شبیه نوک پرنده است که سوراخ می‌گردد. این سوراخ برای رد کردن طناب طراحی شده است. کاربرد این طناب همان دسته ابزار دیل می‌باشد.



تصویر ۴. دسته دیل
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)



تصویر ۵. نوک دیل و نخعی که حکم دسته ابزار دیل را بازی می‌کند
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)



تصویر ۶. ایجاد عمق یک سانتیمتری در دسته دیل تا استخوان دیل راحت جایگیر شود
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)

۳.۶. فیش فیش دیل (سوت استخوانی)

برای تهیه این سوت، مردم روستای آلوارس ماه‌ها زحمت می‌کشیدند تا بال عقاب مرده‌ای را از دل صخره‌های کوهستان سبلان پیدا کنند. علت انتخاب استخوان بال عقاب به دو دلیل بود. اول اینکه داخل این استخوان خالی بود و دوم آنکه وزن آن بسیار سبک و لایه سخت آن بسیار نازک است. بعد از تهیه این استخوان، سازنده ابزار دیل سعی می‌کند که آن را صیقل داده و اضافات آن را جدا سازند و در بالای استخوان سوراخی گرد ایجاد می‌کند. علت ایجاد این سوراخ گرد به خاطر جریان

عبور هوا که صدایی شبیه به سوت ایجاد می‌کند. سوت استخوانی تقریباً به اندازه ۶ یا ۷ سانتیمتر می‌باشد. این استخوان را بعد از تراشیده شدن در بالای شیار دسته کاسه دیل قرار می‌دهند. دو طرف این استخوان سوتی را با موم زنبورعسل کوهی ثابت نگه می‌دارند. کاربرد این موم علاوه بر نگه داشتن استخوان روی دسته دیل به تولید صدای بلدرچین ماده نیز کمک می‌کند. موم زنبورعسل کوهی را نرم کرده و در داخل استخوان تا لبه سوراخ بالایی پر می‌کنند طوری که فقط روزنه‌ای کوچک برای هدایت هوا به داخل استخوان باقی می‌ماند. باز در این مرحله هم از ابزارهایی استفاده می‌شود که در محیط کوهستانی روستای آلوارس بیشتر به چشم می‌خورد. بر طبق گفته سازندگان ابزار دیل در صورتی که برای ثابت نگهداشتن سوت استخوانی از هر ماده دیگری به غیر از موم زنبورعسل استفاده شود، هیچ وقت صدایی از ابزار دیل ایجاد نمی‌گردد و در صورت ایجاد صدا، شبیه به صدای بلدرچین نمی‌باشد.



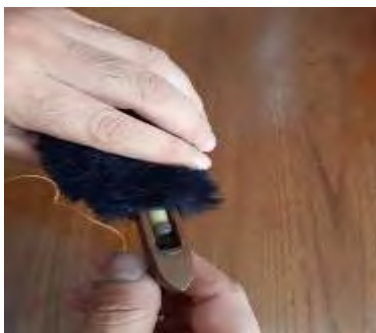
تصویر ۷. نحوه قرار گرفتن سوت استخوانی بر روی دسته دیل و موم زنبورعسل در ابتدای کاسه دیل
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)



تصویر ۸ و ۹. سوراخ‌های ایجاد شده بر روی و انتهای سوت استخوانی که باعث ایجاد جریان هوا می‌شود
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)

۴.۶. دَری دیل (پوست)

یکی از مهمترین اجزای ابزار دیل پوست می‌باشد. برای تهیه پوست بر طبق گفته اهالی روستا در قدیم، سازندگان ابزار دیل از پوست خرگوش استفاده می‌کردند. البته در گذشته در منطقه روستای آلوارس خرگوش به فراوانی یافت می‌شد و اهالی هم می‌توانستند به‌وسیله ترفندهایی این حیوان را شکار کرده و از گوشت و پوستش برای زندگی خودشان استفاده کنند. البته سازندگان قدیمی ابزار دیل معتقد هستند که فقط با پوست خرگوش می‌توان برای ابزار دیل استفاده کرد. پوست خرگوش بر طبق باور اهالی روستا دارای خاصیتی‌هایی هست که در تبدیل صدای بلدرچین نقش اساسی را ایجاد می‌کند و حتی امروزه هم بسیاری از سازندگان قدیم این روستا به غیر از پوست خرگوش از هیچ پوستی استفاده نمی‌کنند. در گذشته بعد از شکار خرگوش، پوست حیوان را کنده و سپس در زیر آفتاب به مدت دو روز نگه می‌داشتند تا خشک شود. اما چون این پوست احتمال اینکه آلوده باشد، جذب میکروب کند و به مرور زمان از بین برود، سازندگان دیل، پوست خرگوش را بعد از خشک شدن در آب نمک قرار می‌دادند. این کار اولاً باعث از بین رفتن تمامی میکروب‌ها و به اصطلاح ضدعفونی می‌شد و از طرفی هم باعث ماندگاری بیشتر پوست حیوان و همچنین باعث محکمتر شدن آن می‌شد. بعد از آن پوست حیوان را به شکل مستطیلی شکل برش می‌دادند و در آخر کار هم دور تا دور پوست را به‌وسیله نخ‌های معمولی به هم می‌دوختند. البته این دوختن بیشتر جنبه زیبایی داشت و باعث محکمتر شدن پوست می‌شد و هیچ‌گونه تأثیری در ایجاد صدا نداشته است. سازندگان جوان و در واقع امروزی به دلیل اینکه تهیه پوست خرگوش کوهی برای اهالی روستای آلوارس وقت‌گیر می‌باشد و از طرفی هم به خاطر صرفه جویی در وقت و حتی هزینه، از پوست بره گوسفندان خودشان استفاده می‌کنند. برای این کار اغلب پوست بره سیاه رنگ انتخاب می‌شود. البته سازندگان قدیمی به هیچ وجه قبول ندارند که پوست بره گوسفند می‌تواند صدای بلدرچین ماده را ایجاد کند و حتی در زمانی که شکار طولانی می‌شود و یا حتی شکاری صورت نمی‌گیرد، بیشترین دلیل آن را استفاده از پوست بره گوسفند می‌دانند. بعد از انتخاب پوست، این تکه پوست در روی کاسه دیل درست روی گودی کاسه قرار می‌گیرد. به کمک الیاف طبیعی به کاسه دیل بسته می‌شود. در گذشته برای بستن پوست حیوان به دیل از موی دم‌اسب که ماندگاری بیشتری داشته، استفاده می‌شد. نقش این تکه پوست کارکرد تلمبه هوا را ایفا می‌کند. وقتی طرف آزاد تکه پوست را با دست خود در روی کاسه محکم می‌گیرید و با انگشت شست دست دیگر، آرام روی آن ضربه می‌زنید، تکه پوست نقش تلمبه هوا را بازی کرده و هوا را به داخل استخوان توخالی هدایت می‌کند. هوا در داخل استخوان و در لای موم‌ها و نهایتاً در سوراخ بالای استخوان در انتهای استخوان پیچیده و صدای شبیه صدای بلدرچین ماده از خود ایجاد می‌کند.



تصویر ۱۰ و ۱۱. طریق بستن پوست بر روی ابزار دیل
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)



تصویر شماره ۱۲ و ۱۳. دیل آماده برای استفاده
(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)

۵.۶. تور دیل

جنس تور دیل از الیاف طبیعی و یا موی دم‌اسب و امروزه از الیاف مصنوعی ساخته می‌شود. این تور با مساحت تقریبی دو و نیم متر عرض و دو و نیم متر طول بر روی مزارع گندم و جو پهن می‌گردد. طوری که پایین آن کاملاً آزاد باشد. علت اینکه تور را روی مزارع گندم و جو پهن می‌کنند این است که بلدرچین‌ها در فصل تابستان در آلوارس به روستا نزدیک می‌شوند و دومین علت این است که جز مزارع گندم و جو مزارع دیگری در منطقه آلوارس وجود ندارد که بتوان تور تله را در آن پهن کرد. زمانی که به وسیله ابزار دیل، صدای بلدرچین ایجاد می‌گردد، بلدرچین زنده به سمت صدا حرکت می‌کند. در مسیر حرکت بلدرچین تور دیل را پهن می‌کنند و زمانی که بلدرچین به داخل تور وارد می‌شود دیگر راه فراری ندارد و به همین طریق شکار می‌شود.



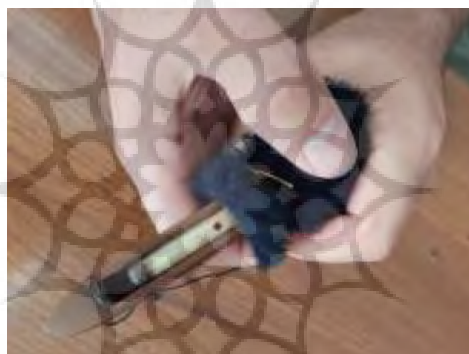
تصویر ۱۴. تور دیل

(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)

۶.۶. کاربرد و نحوه شکار بلدرچین تر با دیل

برای استفاده از دیل مردم روستای آلوارس قریب به یک سال انتظار می‌کشند. آن هم انتظار در تابستان گرم، درست زمانی که مزارع گندم و جو سر باز کرده‌اند، یعنی دانه ریخته‌اند و آرام آرام دارند از خوشه سبز به خوشه طلایی تبدیل می‌شوند. در این ایام مزارع گندم و جو بهترین فصلشان برای شکار بلدرچین‌هایی است که برای خوردن و خوابیدن، خواندن و جفت‌گیری در مزارع گشت و گذار می‌کنند. در این فصل از سال کهنسالان به اتفاق جوانان وارد میدان می‌شوند تا به شکار بلدرچین بپردازند. این کار در گذشته تنها با هدف تفریح نبود بلکه با هدف تأمین تغذیه انسان صورت می‌گرفت. امروزه هم اگر با هدف تفریح باشد، یک انسان نهایتاً می‌تواند در طول یک روز گرم تابستان با هر مهارتی فقط یک یا دو بلدرچین شکار کند و این آسیب جدی به اکوسیستم طبیعی بلدرچین وارد نخواهد کرد، هر چند که با توجه به وضعیت بحرانی حیوانات طبیعت وحش،

این هم به ضرر حیوانات می‌تواند تمام بشود. نحوه شکار و استفاده از دیل طوری است که شکارچی تور خود را در گوشه‌ای از مزارع گندم یا جو روی سنبل‌ها پهن می‌کند و خودش در گوشه‌ای از تور بدون حرکت و در سکوت کامل به کمین می‌نشیند. دیل را در یک دستش محکم گرفته و با انگشت شست دست دیگر به پوست دیل ضربه‌های آرام وارد می‌کند. البته گرفتن دیل در دست راست یا چپ فرقی نمی‌کند و بستگی به خود فرد دارد که متمایل به کدام دست می‌باشد. دیل به صدا در می‌آید و صدای شبیه صدای ماده بلدرچین از خود خارج می‌کند. این صدا در کل مزارع می‌پیچد و وقتی به گوش بلدرچین نر می‌رسد، بلدرچین نر هم هماهنگ با صدای دیل می‌خواند و خودش را هر چه سریع‌تر به طرف صدای بلدرچین ماده می‌رساند. وقتی بلدرچین نر پایین تور می‌رسد و بعد از رسیدن از وجود انسان آگاه می‌شود ترسیده و می‌خواهد پرواز کند و در این حالت خودش را داخل تور گرفتار می‌کند.



تصویر ۱۵. نحوه در دست گرفتن دیل برای شکار

(عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)

۷. نتیجه‌گیری

نگاه فرهنگی و انسانی که در این تحقیق خودش را بهتر نشان می‌دهد، توجه به شکار در تاریخ اندیشه بشر است. در گذشته بشر شکار را برای تفریح یا سرگرمی انجام نمی‌داد، بلکه شکار مسئله تأمین غذا و بقای انسان بود و چه بسا انسان باستان در شکار خود تعادل و توازن را رعایت می‌کرده است. پس می‌توان به این مسئله پی برد که شکار انسان دیرینه سنگی، شکاری بوده که با طبیعت وحش آن سازگاری داشته است. اما بشر امروزی از شکار بیش از آنکه بهره‌رسانی و مادی‌بهره، بهره‌تفریحی و سرگرمی را دنبال می‌کند. حال رونق و تولید و به کار انداختن ابزارهای شکار، نه تنها انسان را بیش از پیش متوجه طبیعت وحش زندگی خود می‌کند بلکه انسان را به فرهنگ

صحيح شكار و طبيعت دوستى و مدارا با حيوانات حيات وحش خود آگاه سازد. روستاى آلوارس يكي از روستاهى بسيار قديمى شهرستان سرعين است و جزء آخرين روستا ارتفاعات دامنه سبلان مى باشد. اهالى اين روستا اغلب به دامدارى مشغول هستند. هر چند كشاورزى هم به صورت محدود در آنجا رونق دارد، اما از گذشته دور شغل غالب مردم اين روستا دامدارى و گله دارى عشائرى است. با اين وجود با توجه به رونق مناطق گردشگرى شهرستان سرعين اين روستا هم از نظر توريستى و جذب گردشگر از امتياز ويژه اى برخوردار است. با ورود تكنولوژى شهرى به اين روستا هنوز هم روستا بافت سنتى و قديمى خودش را در زندگى مردم و تعاملات اجتماعى آن حفظ كرده است. هنوز هم خانه ها، لباس ها و حتى شيوه دامدارى باستانى را مى توان در اين روستا مشاهده كرد. مسئله شكار با وجود گذشت هزاران سال هنوز هم در زندگى بشر معاصر جايگاه خودش را هر چند با كاركردهاى متفاوت، ولى حفظ كرده است. از دوران ديرينه سنگى، انسان با مسئله شكار و ابزارآلات اوليه آن آشنا بوده و هنوز هم آن را در زندگى اجتماعى خودش با شكل و شمایل امروزي تر حفظ كرده است. دليل يكي از اين ابزارهاى قديمى در مناطق آذربايجان ايران مى باشد. جنس و نحوه ساخت اين تكنولوژى بسيار قديمى به صورت ميراث دستى و هنرى از نسلى به نسل ديگر انتقال يافته و به شكل امروزي آن به دست بشر امروزي اين مناطق رسيده است. هر چند كه كار كرد اين ابزار شكار قديمى امروزه عوض شده است و با وجود ابزارآلات مدرن شكار، ديگر كسى به شكار با اين ابزار باستانى نمى پردازد، اما جايگاه خودش را در بيشتر مناطق آذربايجان از جمله روستاى آلوارس حفظ كرده و همچنين كاركردهاى پنهان جديدترى هم به خود گرفته است. براى نمونه كار كرد فرهنگى اين ابزار باستانى امروزه به شكل هنر مطرح مى شود و اهالى نگاه ميراثى به اين صنعت را بيشتر قبول دارند. همچنين نگاه اقتصادى به اين صنعت باعث شده كه هنوز هم بازار كار خودش را از دست نهد و سازندگان آن نيز هنوز با وجود سختى كار به توليد و فروش اين ابزار مى پردازند.

منابع

- بوذری جمهری، خدیجه؛ و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۴). «تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی»، *مجله مدرس علوم انسانی*، ۹ (۱): ۷۵-۱۷.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۶). *فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران*. تهران: کومش.
- حافظ زاده، محمد (۱۳۷۲). *ارس در گذرگاه تاریخ*. تبریز: نیا.
- رئیس نیا، رحیم (۱۳۶۸). *آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*. جلد اول، تهران: نیما.
- سرداری نیا، صمد (۱۳۸۸). *سیری در تاریخ آذربایجان*. تبریز: اختر.
- سعیدی مدنی، سید محسن (۱۳۹۸). *نظریه‌های انسان‌شناسی*. یزد: دانشگاه یزد.
- شریف کمالی، محمد؛ و عسگری خانقاه، اصغر (۱۳۹۱). *مبانی انسان‌شناسی زیستی*. تهران: سمت.
- شربتیان، یعقوب (۱۳۹۸). *انسان‌شناسی*. تهران: ندای آریانا.
- صفری، بابا (۱۳۷۰). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. جلد اول، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۲). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نی.
- فرانسوا دورتیه، ژان (۱۳۹۱). *انسان‌شناسی نگاهی نو به تحولات جسمانی فرهنگی و روان‌شناختی انسان* (مترجم: جلال‌الدین رفیع‌فر). تهران: خجسته.
- فرید، محمد صادق (۱۳۹۷). *مبانی انسان‌شناسی*. تهران: گل آذین.
- مگری، تیم (۱۳۹۷). *جامعه در پیش از تاریخ؛ خاستگاه فرهنگ بشری* (مترجمان: سید جواد حسین‌زاده ساداتی و رحمت عباس‌نژاد سرستی). مازندران: دانشگاه مازندران.
- نیک خلق، علی اکبر (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: چاپخش.
- نبوی، بهروز (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: فروردین.
- وب‌گاه مرکز آمار ایران (۱۳۹۹).
- وثوقی، منصور؛ و حبیبی، سونا (۱۳۹۳). «دانش بومی گامی به سوی بومی‌سازی توسعه روستایی و توانمندسازی روستاییان». *مجله مطالعه توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۲ (۴): ۲۶-۹.

ضمائم:

جدول مشخصات مصاحبه‌شوندگان

نام و نام خانوادگی مصاحبه‌شونده	سن	شغل	محل زندگی
الماس نظیری	۷۵	دامدار	روستای آلوارس
نصرالله نصیری	۸۴	کشاورز و دامدار	روستای آلوارس
سواد محبی	۷۷	دامدار	روستای آلوارس
یدالله فولادی	۸۱	دامدار	روستای آلوارس
ملا گل احمد گودرزی	۸۶	باسواد روستا	روستای آلوارس
بهرام گودرزی	۹۰	دامدار و کشاورز	روستای آلوارس
خان اوغلان نژادعلی	۸۵	دامدار	روستای آلوارس
بیت اله نصیری	۶۵	دامدار	روستای آلوارس
جلیل نصیری	۶۰	دامدار	روستای آلوارس
جمشید پورحیبی	۷۱	دامدار و کشاورز	روستای آلوارس
ذوالفقار کفایتی	۵۷	دامدار	روستای آلوارس
حسن آقا اسلامی	۶۰	دامدار	روستای آلوارس
شیرمحمد افضل	۶۷	کشاورز	روستای آلوارس
انشاءالله رهبر	۷۱	دامدار	روستای آلوارس
حسین آقا اسلامی	۷۰	دامدار و کشاورز	روستای آلوارس
الله شکر قربانی	۶۲	دامدار و کشاورز	روستای آلوارس
ذکریا خرمی	۵۰	دامدار	روستای آلوارس
خداوئردی فروتن	۸۵	دامدار	روستای آلوارس
قادر شعبانی	۵۸	کشاورز	روستای آلوارس
اسلام عبدی	۶۴	آزاد	روستای آلوارس
ولی عبدی	۷۶	موسیقی دان	روستای آلوارس
بهزاد جماعتی	۴۰	معلم	روستای آلوارس



تصویر ۱۷



تصویر ۱۶

تصویر ۱۶. آقای بهزاد جماعتی - معلم و در توضیح ابزار دیل (عکاس: پژوهشگر، بهار ۱۳۹۹)
تصویر ۱۷. آقای ولی عبدی- استاد موسیقی عاشیق آذری در حال توضیح ابزار دیل (عکاس: همان).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی